

## اصول پایه‌ای در مورد

## برابری و آزادی زنان ایران

ما اصول زیر را بعنوان اصول حداقل سازمانها و احزاب چپ ایران در مورد مسأله زنان اعلام می‌کنیم. همان‌طور که چپ با خواست و آرمان برقراری عدالت اجتماعی مشخص می‌شود در زمینه مسأله زنان نیز با خواست آزادی و برابری زنان که بخش در اصول زیر منعکس است مشخص می‌شود. سازمانها و احزاب چپ ایران تلاش می‌کنند که اصول زیر به عنوان اصول دموکراتیک پایه‌ای در میان توده‌های مردم فراگیر شود و توسط جامعه برسمیت شناخته شود.

۱- هشت مارس مصادف با ۱۷ اسفند روز مبارزه برای آزادی و برابری زنان در سراسر جهان است. این روز را باید در سراسر ایران برگزار کرد و اهمیت تاریخی و جهانی آن را به آگاهی عموم مردم تبدیل کرد. یکی از مشخصه‌های زن ستیزی رژیم شاه و جمهوری اسلامی تلاش عبث آنها برای جایگزینی هشت مارس با روزهایی است که سمبل زن فرودست و مطیع است. و نه زن آزاد و برابر.

۲- در ایران بزرگترین منبع ستم بر زن و بزرگترین مردسالار دولت حاکم است. در جمهوری اسلامی ستم بر زن در بالاترین رده‌های دولت طرح ریزی می‌شود و به اجرا در می‌آید. قانون اساسی، جزائی و مدنی ایران علیه زنان و ناقض حقوق برابر زن و مرد است. استفاده از شریعت یکی از مهمترین اهرمهای رژیم جمهوری اسلامی در سرکوب زنان است. مجموعه اینها شرایط بی‌حقوقی و غیرانسانی را بر زنان تحمیل می‌کنند. این قوانین باید فوراً ملغی شوند. جدائی دین از دولت و مشخصاً قطع فوری بکار بست احکام قرآن و فقه در مورد زنان جزو اولیه‌ترین شرایط آزادی و برابری زنان است. گشتی‌ها و ارگانهای انتظامی مخصوص زنان باید منحل گردند و آزار زنان در مجامع عمومی سیاسی توسط لباس شخصی‌ها متوقف شود. ما زنان و جوانان را به مقابله با این قوانین ستمگرانه و نیروهای سرکوبگر فرا می‌خوانیم و این مقاومت را بخشی از مبارزه سیاسی عمومی مردم ایران می‌دانیم.

۳- زنان فقط با دستگاه حاکمه روبرو نیستند. بلکه نظام پاتریارکی حاکم، مردان را به استیلا جوئی بر زنان تشویق و وادار می‌کند. این روابط که مردان را بر زنان مسلط می‌کند به ضرر اکثریت مردان جامعه است زیرا کلیت نظام استثمار و ستم طبقاتی را نیز تقویت می‌کند. افزایش خشونت مردان علیه زنان در خانواده، از اشکال به ظاهر بی‌ضرر مانند محدود کردن زنان و دختران، تا اشکال آشکارا خشن مانند ضرب و شتم و به قتل رساندن، نتیجه تقویت روابط پاتریارکی است. گسترش خودکشی و خودسوزی در میان زنان و دختران جوان یک عکس‌العمل در مقابل فضای خفقان آوری است که روابط مردسالاری و پاتریارکی برای زنان ایجاد کرده است. ما سلطه‌جوئی مردان بر زنان را محکوم کرده و مردسالاری را یکی از برجسته‌ترین موانع رشد و پیشرفت دموکراسی در جامعه می‌دانیم. به این جهت، طغیان زنان علیه مردن

سلطه‌گر و علیه روابط پاتریارکی را عادلانه دانسته و از آن حمایت می‌کنیم. ۴- ما تمام باورهای سنتی مبنی بر ناتوان و فرودست بودن زنان و لزوم تبعیت زن از مرد را باطل اعلام کرده و مبارزه برای پاک کردن اذهان جامعه از این باورها را وظیفه همه می‌دانیم. ما تمام معیارهای اخلاقی سنتی و مذهبی غالب در جامعه را که بر پایه آن زنان را به «خوب» و «بد» تقسیم می‌کنند رد می‌کنیم. ما توده‌های مردم را فرا می‌خوانیم که این باورهای سنتی و معیارهای اخلاقی کهنه که زنان را فرسوده کرده، استعدادها و خلاقیت‌های آن را کشته است، کنار زنند و آفریننده و مروج معیارهای نوین در روابط میان زن و مرد باشند. عامل تعیین کننده در رابطه با خلق معیارهای نوین، رعایت اصل آزادی زنان و برابری میان زن و مرد است.

۵- ما جوانان دختر و پسر را فرا می‌خوانیم که متحداً علیه افکار و مناسبات مردسالاری بپاخیزند و در زمینه روابط میان زن و مرد استانداردهای نوین بوجود آورند: استانداردهایی که تبلور روابط برابر میان زن و مرد در همه زمینه‌ها، از محیط خانواده، کار و تحصیل تا روابط عاطفی است.

۶- ما معلمین کشور را فرا می‌خوانیم از آموزش متونی که ناقض اصل برابری زن و مرد است خودداری کنند. و بجای معیارها و باورهای سنتی و مذهبی درباره زنان، معیارها و باورهای نوین که مبشر برابری و آزادی زنان و کل بشریت است در میان کودکان و نوجوانان آموزش دهند.

۷- فقر اقتصادی بیش از همه از میان زنان قربانی می‌گیرد. جمهوری اسلامی با اجرای دستورات صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی بیش از نیمی از مردم کشور را به زیر سطح فقر رانده است. در شرایطی که زنان از اغلب فرصتهای شغلی بدلیل زن بودن محرومند، این وضعیت دهشتناک بسیاری را به سوی تن فروشی بعنوان تنها منبع کسب معاش می‌راند. زنان کارگر اولین کسانی هستند که در معرض اخراج و حذف مزایا قرار می‌گیرند. طرح جنایتکارانه خارج کردن کارگاه‌های کوچک از شمول قانون کار در واقع زنان کارگر را هدف گرفته است زیرا اکثریت کارگران صنایع کوچک زنان هستند. گسترش بیسابقه فقر و فحشا فریادی است که به اضطرار برقراری عدالت اجتماعی و توزیع ثروتها و امکانات اجتماعی را طلب می‌کند. امری که فقط با سرنگون شدن جمهوری اسلامی و آن اقلیتی که به بهای فقر اکثریت مردم ثروتهای افسانه‌ای گرد آورده‌اند، امکان‌پذیر است.

۸- ما معتقدیم که ایجاد تشکلات مستقل زنان برای پیشبرد مبارزه برای آزادی و برابری زنان یک ضرورت حیاتی است. این تشکلات نقش بسزائی در بالا بردن آگاهی زنان و کل جامعه نسبت به بی‌حقوقی زنان و لزوم مبارزه علیه این بی‌حقوقی داشته و خواهند داشت. مرزبندی با رژیم جمهوری اسلامی و سازمانهای زنان وابسته به آن، استقلال از پس مانده‌های رژیم شاه و

## آدرس ها و شماره تلفن های سازمان

آدرس روابط عمومی سازمان:

BP195  
75563 PARIS-Cedex 12  
FRANCE

فاکس روابط عمومی سازمان

(33-1)43455804

تلفن علنی برای تماس از خارج کشور

(49-40)6777819

برای آبانمان نشریه راه کارگر و سایر انتشارات سازمان، با آدرس های زیر مکاتبه کنید.

در اروپا

RAHE KARGAR  
Postach103707  
50477 Kohn  
Germany

آدرس بانکی:

HAZAREH ev  
19042035  
3705019  
StadtsparkasseKohn  
Germany

نام

شماره حساب

کد بانک

نام بانک

در آمریکا و کانادا:

RAHE KARGAR  
P.O.BOX 3172  
B.C V6G 3X6 CANADA

آدرس بانکی:

Name: A.K, M.N  
Account No: 12-72837  
Barnch: 6810  
Bank: Vancouver, B.C  
CANADA

آدرس الکترونیک سازمان:

ORWI-INF.@RAHEKARGAR.ORG  
HTTP://WWW.RAHEKARGAR.ORG

## رادیو برابری

تریبونی است برای شکستن دیوار سانسور و اختناق و انعکاس صدای همه کسانی که در ایران برای آزادی و برابری مبارزه می کنند.

برنامه های «رادیو برابری» هر روز ساعت نه و نیم شب به وقت تهران برابر با هفت بعد از ظهر به وقت اروپای غربی بر روی فرکانس ۷۴۸۰ ردیف ۴۱ متر پخش می شود. برنامه های «رادیو برابری» هم زمان از طریق اینترنت در همه نقاط جهان قابل دریافت است.

آدرس سایت برابری در اینترنت: www.barabari.com

سازمانهای زنان وابسته به آن و مرزبندی با امپریالیسم آمریکا که رئیس جمهور آن مدعی «آزاد کردن زنان ایران» است، برای تشکلات مستقل جزو واجبات است زیرا اینها نه تنها ضد مردمی اند بلکه تا مغز استخوان زن ستیز می باشند.

۹- به اعتقاد ما توجه مشخص به موقعیت زنان ملل تحت ستم ایران مانند کرد و عرب و بلوچ و آذری و ترکمن و زنان مهاجر افغانستانی از سوی تشکلات زنان بسیار مهم است. زیرا به زنان این ملل ستم جنسیتی شدیدتری وارد می شود. بیداری ملی، که در نتیجه ستم ملی در این ملل رشد می کند، تأثیر متناقض بر زنان دارد. از یکسو آنان را به عرصه مبارزه سیاسی می کشد و از سوی دیگر ایدئولوژی ملی گرائی غل و زنجیرهای پدرسالاری را بر کرده زنان محکمر می کند.

۱۰- ستم بر زنان از سنگ بناهای نظام ستم و استثمار در ایران است. به همین جهت کلیه جنبشهای اجتماعی در مبارزه زنان برای آزادی و برابری ذینفع می باشند. ما جنبشهای اجتماعی دموکراتیک و حق طلبانه مردم ایران اعم از جنبش دانشجویی، کارگری، معلمان و غیره را فرا می خوانیم که از شعار آزادی و برابری زنان که در جنبش دانشجویی امسال توسط دختران به اهتزاز درآمد حمایت کنند و آن را در میان خواستها و مطالبات خود بگنجانند. همچنین از خواستها و حقوق اولیه زنان مانند لغو حجاب اجباری، لغو سنگسار و بطور کلی مجازات اعدام، حقوق برابر در زمینه ازدواج، طلاق، مالکیت، وراثت، سرپرستی فرزندان، اشتغال، تحصیل، سفر، حق سقط جنین، آزادی معاشرت دختران و پسران در اماکن عمومی و غیره بدون قید و شرط حمایت کنند.

۱۱- طغیان زنان در واقع ضربات محکمی بر ارکان روابط سرمایه داری و ماقبل سرمایه داری می زند. ما فعالین جنبش کارگری را فرا می خوانیم که با تبلیغ و ترویج در مورد اهمیت حیاتی مسأله زنان، آن را به مسأله و موضوع آگاهی طبقاتی کارگران و مبارزه آنان تبدیل کنند. مبارزه کارگران برای حقوق برابر میان زن و مرد کارگر از شروط ایجاد اتحاد در میان کارگران است. برگزاری مراسم هشت مارس در کارخانه ها یک پیروزی برای طبقه کارگر است. شرکت توده های کارگر در گردهمائی ها و مبارزاتی که خارج از محیط کارخانه و محله در رابطه با گرامیداشت هشت مارس برگزار می شود، نشانه یک جهش در آگاهی طبقاتی آنان است. کارگران باید نشان دهند که از مبارزه زنان علیه مردسالاری و برای دستیابی به آزادی و برابری استقبال و حمایت می کنند و آن را بخشی از مبارزه خودشان می دانند. در میان کارگران باید استانداردهای نوین برای روابط میان زن و مرد که مبتنی بر برابری و احترام باشد بوجود آید. یک کارگر سوسیالیست و حتی دموکرات فراموش نمی کند که در پیشبرد، تسریع و حل هر مسأله مربوط به اقشار و طبقات تحت ستم فعال باشد.

۱۲- رژیم جمهوری اسلامی از روز اول چنگ انداختن بر قدرت، به زنان اعلام جنگ داد. اگر این رژیم مرتکب هیچ جنایت دیگری غیر از برده کردن زنان نشده بود باز هم سزاوار سرنگونی بود. اما زنان در مقابل این بیدادگریها ساکت ننشستند و بهر ترتیب که توانستند مقاومت و اعتراض کرده و به یک نیروی اجتماعی معترض بسیار مهم تبدیل شدند. نیروئی که علیرغم سازمان یافته نبودن دوست و دشمن مجبورند آن را به رسمیت بشناسند. از یکسو، افراد و جریانات ترقی خواه و عدالت جو به این نیروی اجتماعی مقاوم و معترض به دیده تحسین و امید می نگرند. و از سوی دیگر، مرتجعین حکومتی از آن هراسناکند و برای جلب نظرش مجبورند ادعا کنند که برای حقوق زنان تلاش می کنند. ما از هر جنبه از شورش و طغیان زنان علیه وضع موجود و مبارزه آنان برای کسب آزادی و برابری حمایت می کنیم و برای هر چه عمیق تر و گسترده تر شدن آن تلاش می کنیم و اعلام می کنیم که مبارزه علیه هر گونه نابرابری میان زن و مرد و با هدف ریشه کن کردن آن از اصول اولیه مبارزه سوسیالیستی است.